

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال دوم، شماره سوم، پاییز و زمستان ۹۰، صفحات ۵۹-۸۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۱۰/۶

## نقاشان صفوی و انتقال هنر نگارگری ایرانی به عثمانی ( اوایل قرن دهم هجری )

ولی دین‌پرست<sup>۱</sup>

### چکیده

در اواخر دوره تیموریان، مناسبات فرهنگی و هنری گسترده بین ایران و عثمانی وجود داشت. آوازه و شکوهی که استانبول به عنوان مرکز هنری در جهان اسلام پیدا کرده بود، موجب مهاجرت تعداد زیادی از نقاشان ایرانی به استانبول و سایر شهرهای عثمانی شد. در اوایل قرن دهم هجری نیز در پی منازعات صفویان با عثمانی، سلطان سلیم اول با تصرف تبریز تعداد کثیری از نقاشان صفوی را به عثمانی انتقال داد. پس از آن در طول قرن دهم هجری نیز عده‌ای دیگر از نقاشان ایرانی نظیر شاهقلی و ولی‌جان تبریزی به عثمانی مهاجرت کردند. همه این نقاشان در عثمانی از طریق مصور ساختن نسخ خطی و ترسیم نگاره‌های زیبا، سبک هنری صفویان را که ادامه مکتب هنری هرات و شیراز بود، در آن سرزمین رواج دادند. آنان از این طریق، نگارگری ایرانی را وارد مکتب نقاشی عثمانی کردند. در این مقاله به بیان فعالیت نقاشان صفوی در دربار عثمانی و نحوه انتقال سبک نگارگری ایرانی به آن سرزمین پرداخته شده است. هدف عمده این پژوهش، نشان دادن تأثیر سبک

---

۱- استادیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز Email: vali\_dinparast@yahoo.com

نگارگری ایرانی در شکل‌گیری مکتب نگارگری عثمانی و معرفی آثار بجا مانده از هنرمندان مهاجر ایرانی در عثمانی است. با این فرض که حمایت و علاقه‌مندی سلاطین عثمانی به اهل هنر، زمینه را برای مهاجرت نقاشان ایرانی و انتقال سبک هنری این سرزمین به آناتولی فراهم کرد. برای تدوین این مقاله از منابع آرشیو عثمانی، مخصوصاً دفاتر اهل هنر سرای سلاطین عثمانی که به همت اوزون چارشلی بازخوانی و منتشر گردیده، همچنین از کتاب مناقب هنروران، تألیف مصطفی عالی افندی و آثار فیلیز چاقمان در مورد هنر نگارگری عثمانی بیشترین بهره را گرفته‌ام.

**واژه‌های کلیدی:** ایران، عثمانی، صفوی، نگارگری، نقاشان.

## مقدمه

هنر نگارگری صفوی بر روی پایه‌های هنر تیموریان هرات، ترکمانان شیراز و تبریز پایه‌گذاری شد. البته نگارگری تیموری نیز از هنر دوره ایلخانان و آل جلاایر الهام گرفته بود. اوج شکوفایی این هنر در زمان سلطان حسین بایقرا بوده است. در این دوره هنرمندان برجسته‌ای نظیر کمال‌الدین بهزاد، محمد سیاه‌قلم، شیخی بیگ، درویش‌محمد هروی، امیرخلیل ظهور کردند. با سقوط هرات بدست ازبکان به عمر حکومت تیموریان خاتمه داده شد. وقتی شاه اسماعیل صفوی این شهر را از دست ازبکان گرفت. تعدادی از هنرمندان تیموری را از هرات به تبریز آورد. او به همین شکل هنرمندانی از مراکز هنری آق‌قویونلوها در شیراز و اصفهان را نیز به تبریز انتقال داد. بدین ترتیب هنر نگارگری متقدم صفویان از سوی هنرمندانی نظیر بهزاد، شیخ‌زاده، خواجه عبدالعزیز، آقا میرک، سلطان محمد، مظفرعلی، میرسید علی، شاه محمد اصفهانی و دوست محمد، پایه‌گذاری شد (محمدحسن، ۱۳۶۶: ۱۲۱). این نقاشان و یا شاگردان آنها با مهاجرت به عثمانی سبک هنر نگارگری ایرانی را که حاصل تلاش نقاشان ایران از دوره ایلخانان تا دوره صفوی بود، به عثمانی انتقال دادند. در این میان تأثیر مکتب نقاشی هرات در نگارگری عثمانی بسیار مهم بوده

است. اینکه این نقاشان چه کسانی بوده‌اند و چگونه سبک هنر نگارگری ایرانی را در عثمانی رواج دادند، نکته قابل توجهی است که نیاز به تحقیق و پژوهش بیشتری دارد. مخصوصاً این که مبنای مکتب نگارگری عثمانی با الگوبرداری از سبک نگارگری ایرانی از سوی همان نقاشان مهاجر در نیمه اول قرن دهم هجری در استانبول شکل گرفت. چرا که تعداد زیادی از نقاشان مهاجر ایرانی در دربار سلاطین عثمانی مشغول به کار شدند. آنان هنر نگارگری ایرانی را که از اساتید خود در ایران یاد گرفته بودند، در عثمانی رواج دادند. در این مقاله اهم فعالیت نقاشان ایرانی در سرای عثمانی شرح داده خواهد شد. اما با توجه به اطلاعات اندک مؤلف در خصوص تأثیر نگارگری ایرانی بر نگارگری عثمانی اگر مطلبی در این مورد بیان شده از زبان اهل هنر و نقاشان ترک بوده است. محققین رشته نقاشی با بررسی بیشتر منابع و اسناد آرشیو کشور ترکیه بهتر می‌توانند در مورد نقش ایرانیان در شکل‌گیری و تأثیرگذاری بر مکتب نگارگری عثمانی اظهار نظر نمایند.

در این مقاله دو کلمه نگارگری و نقاشی در جملات متعدد بکار رفته است. با توجه به این که هر دو کلمه به یک معنی و مترادف همدیگر هستند بنابراین منظور از نقاشی نیز همان عنوان نگارگری بوده است.

### هنر نگارگری ایرانی در عثمانی از دوره تیموریان تا سقوط آق‌قویونلوها

ترکان عثمانی در زمینه هنر نقاشی، مهارتی از خود نداشتند. آنان همان‌طور که از ادبیات فارسی تقلید کردند، در موازین هنری نیز از سبک‌های ایرانی الگوبرداری نمودند (بینیون، ۱۳۸۳: ۳۰۸) با توجه به روابط فرهنگی ایران و عثمانی از دوره تیموریان و ترکمانان، آثار ادبی و نسخ خطی و مینیاتورها و قطعات عالی هنری ایرانی به طرق مختلف به آن سرزمین برده می‌شد. مخصوصاً این که سلاطین عثمانی با حرص و ولع آثار ادبی و هنری ایران را خریداری و در کتابخانه‌ها خود نگهداری می‌کردند. با بررسی مرقعات و آلبوم‌های نقاشی از هنرمندان تیموری و ترکمن که امروزه در موزه توپقاپی باقی مانده، می‌توان به این واقعیت پی برد که سلاطین عثمانی با اشتیاق این آثار را جمع‌آوری و در حفظ آنها می‌کوشیدند

(حبیبی، ۱۳۵۵: ۵۶۱) خمسه امیر خسرو دهلوی، چندین نسخه از کلیله و دمنه، منطق الطیر عطار، دیوان حسینی و خمسه نظامی معروف به خمسه یعقوب بیگ آق قویونلو نمونه‌ای از این آثار هستند. مینیاتورهای این نسخ خطی در طول قرن نهم و دهم هجری قمری از سوی هنرمندان تیموری و ترکمن در هرات، شیراز و تبریز ترسیم شده بودند (شاد قزوینی، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

از زمان سلاجقه در دربار سلاطین روم، نقاشخانه وجود داشت. پس از تشکیل امپراطوری عثمانی، نقاشخانه سلطانی ابتدا در بورسا و سپس در ادرنه تشکیل شد (Ünver, 1958:1). نقاشی از جمله هنرهای تزئینی و زیبایی بود که مورد توجه سلاطین عثمانی قرار گرفت. به همین منظور در سرای جدید عثمانی پس از فتح استانبول تشکیلاتی به نام اهل حرف وجود داشت. در این تشکیلات، صاحبان حرف در رشته‌های مختلفی نظیر نقاشی، خطاطی، کتابت، تذهیب، زرگری، خاتم‌کاری، حکاکی، زردوزی، پوستین‌دوزی، کنده‌کاری، شمشیرسازی، سپرسازی، کمان‌سازی، کاشی‌کاری و عباپافی فعالیت می‌کردند. سلطان محمد فاتح، نخستین کسی است که با استقرار در استانبول چنین تشکیلاتی را در دربار خود به راه انداخت. او برای بنای قصرها و اماکن باشکوه در استانبول از سرزمین‌های اسلامی و غربی به جذب هنرمندان در رشته‌های متعدد به این شهر پرداخت. از دفاتر اهل حرف دوره محمد فاتح باقی نمانده است. قدیمی‌ترین دفتر اهل حرف دربار مربوط به سال ۹۲۶ ه. ق/۱۵۲۰ م است. در این دفتر اسامی هنرمندان ایرانی که از دوره بایزید دوم از ایران به آناتولی مهاجرت کرده و در سرای سلطان عثمانی فعالیت می‌کردند، ذکر شده است. در این دفتر، اسامی ۳۶ گروه از هنرمندان حرف مختلف، همراه با میزان مقرری آنها و نیز نام محلی که از آنجا به استانبول آمده‌اند، دیده می‌شود (uzunçarşili, 1986: 26-64). تعداد این هنرمندان در دربار عثمانی را بین ۶۰۰ تا ۹۰۰ نفر ذکر نموده‌اند. هر کدام از آنان در رشته خود تحت ریاست یک نفر فعالیت می‌کردند. در میان این هنرمندان، نقاشان جایگاه ویژه‌ای داشتند. این گروه به تذهیب و مصور نمودن نسخ خطی، کتاب‌آرایی و تزئین بناها مشغول بودند (Bağci, 2006:16-17). در میان آنان اسامی برخی از نقاشان تیموری و ترکمن

به چشم می‌خورد. حسین بن شهاب‌الدین بیرجندی از آن جمله هنرمندان مهاجر ایرانی به آناتولی در دوره سلطان محمد فاتح است که در نقاشی و تصویرسازی بر روی فلزات مهارت خاصی داشته است. از آثار باقی‌مانده از وی کوزه برنزی در موزه توپقاپی را می‌توان نام برد که بر روی آن نوشته شده «کتبه و ناقش و فارغه حسین بن شهاب البیرجندی فی ربیع الاول سنه احدی و سبعین و ثمان مئه» (کریم زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۵۷). برخی از نقاشان مهاجر ایرانی، خطاط و تذهیب‌کار نیز بوده‌اند. سیدعلی و سید اسداله کرمانی از خطاطان برجسته ایرانی هستند که با مهاجرت به قلمرو دولت عثمانی به نسخه‌برداری از آثار ادبی و تذهیب آنها پرداختند. قرآنی که در سال ۸۶۳ ه. ق/ ۱۴۶۵ م به زیبایی تذهیب شده و امروزه در موزه توپقاپی نگهداری می‌شود، از آثار ارزنده سید اسدالله کرمانی است (عالی افندی، ۱۹۲۶ م: ۱۲۲). با توجه به تاریخ تذهیب قرآن مشخص می‌گردد که آنان در دوره قره‌قویونلوها به عثمانی مهاجرت کرده‌اند. با توجه به سبک نقاشی‌های دو اثر ادبی به نام‌های دیلسوزنامه و کلیات شعر که در نیمه اول قرن نهم هجری در دربار سلطان عثمانی در ادرنه تدوین شده و نقاشان ایرانی مینیاتورهای آن را ترسیم نموده‌اند، بخوبی می‌توان کاربرد سبک هنر تیموری در این آثار را دید (Mahir, 2005: 24-25).

آثار ادبی نسخه‌برداری شده در نقاشخانه سلطانی از سال ۹۰۰ ه. ق/ ۱۴۹۵ م در استانبول و مینیاتورهای آن نشانگر طرح‌ریزی مراحل اولیه سبک نقاشی عثمانی است که در آن هنرمندان ترکمن فعالیت می‌کردند (Tanındı, 1996: 13). از بین این آثار می‌توان کلپله‌ودمنه و خمسه امیرخسرو دهلوی را نام برد که به ترتیب در سال‌های ۹۰۰ ه. ق/ ۱۴۹۵ م و ۹۰۳ ه. ق/ ۱۴۹۸ م از سوی هنرمندان ایرانی نسخه‌برداری و مصور گردیده‌اند. متن کلپله‌ودمنه نشان می‌دهد که نسخه آن در استانبول تهیه شده و سبک نقاشی‌های آن ترکیبی از سبک شیراز و سبک ممالیک مصر است. در این اثر چهره اشخاص و درختان به زیبایی تزئین شده، استفاده از رنگ‌های متنوع جذابیت خاصی به نقاشی‌های این نسخه بخشیده است (Çagman, 19).

**نگارگران ایرانی اوایل دوره صفویه در استانبول**

برجسته‌ترین تذهیب‌کاران و نقاشان ایرانی در اوایل دوره صفوی از زمان سلطان بایزید دوم به عثمانی مهاجرت کردند. در این دوره، نقاشانی نظیر ملک‌احمد تبریزی، حسن بن محمد و حسن بن عبدالجلیل با مهاجرت به استانبول، وارد سرای سلطان بایزید دوم شدند. ملک‌احمد تبریزی به همراه دو تن از فرزندانش به نامهای محمد و علی که جزو شاگردان او نیز بودند، در اوایل حکومت شاه اسماعیل (۹۰۹ هـ. ق/ ۱۵۰۴ م) از ایران به عثمانی مهاجرت کردند (Çagman, 1974:19). احتمالاً آنان به دلیل آشفتگی اوضاع داخلی ایران به آن سرزمین عزیمت نمودند. اینان در سرای عثمانی به نسخه‌برداری از کتب و مصور ساختن آنها می‌پرداختند.

اولین دسته از نقاشان صفوی به طور وسیع در دوره سلطان سلیم اول به عثمانی انتقال داده شدند. سلطان سلیم پس از پیروزی بر شاه اسماعیل در جنگ چالدران، تبریز را اشغال نمود. او پس از اقامت کوتاه در تبریز هنگام بازگشت به آناتولی تعداد زیادی از آثار هنری و ادبی ایران را که در کتابخانه‌های تبریز و خزانه سلطنتی وجود داشت با خود به استانبول برد. وی همچنین به همراه خود عده کثیری از هنرمندان و صنعتگران صفویه را به عثمانی کوچ داد. در میان آنان برجسته‌ترین نقاشان اوایل دوره صفوی حضور داشتند. از این نقاشان بجز تعداد اندکی بقیه به نقاشخانه سلطنتی پیوستند. اسامی برخی از آنان در دفتر اهل حرف دربار عثمانی باقی مانده است. حسن افندی، کاتب دربار عثمانی اسامی اهل حرف دربار و میزان حقوق دریافتی ماهیانه آنان را در این دفتر ثبت کرده است. او اسامی نقاشانی را که سلطان سلیم از تبریز به استانبول برده و تعدادی از آنان به عنوان نقاش در سرای سلطان به خدمت گرفته شدند، بدین شرح نام می‌برده است (uzunçarşili, 24).

شاه محمد مصور	عبدالغنی مصور	درویش بیگ مصور	شیخ خان نقاش
علاءالدین نقاش	منصور بیگ نقاش	شیخ کمال نقاش	علی بیگ نقاش
آهی بیگ نقاش	عبدالخلیل نقاش	میرزابیگ نقاش	نظر نقاش
عبدالفتاح نقاش	میر آقا نقاش	شرف نقاش	علی قلی نقاش

در میان این افراد برخی از نقاشان تیموری هستند که شاه اسماعیل آنها را از هرات به تبریز آورده بود. تعدادی از آنان نیز از هنرمندان ترکمن آق قویونلو بشمار می‌روند. شاه‌محمد از اهالی اصفهان و از نگارگران قرن دهم هجری بوده است. از او اثر باقی مانده: یکی تصویر زن چادر به سر که در مقابل جوانی ساز بدست ایستاده و به آواز ساز او گوش می‌دهد و در زیر تصویر نوشته «عمل شاه‌محمد اصفهانی». دوم تصویر جوان عمامه به سر که در حضور مرشد بزرگواری نشسته و مشغول صحبت با اوست (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۳۹). عبدالفتاح از دیگر نقاشان این گروه محسوب می‌شود که به غیر از نقاشی در خطاطی و حکاکی نیز مهارت داشته. به خط وی لوحی در مسجد جامع بوسا باقی مانده است (بیانی، ۱۳۶۳: ۴۰۸). با حضور این نقاشان در استانبول سبک نقاشی صفوی در عثمانی رواج یافت (Atasoy, 1974: 20). چرا که کتبی که در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری از سوی هنرمندان ایرانی در دربار عثمانی نسخه‌برداری و مصور گردیده به سبک همان آثاری است که در همان زمان در هرات، شیراز و تبریز تهیه شده است. از جمله این آثار دیوان سلطان حسین بایقرا و آثار امیرعلیشیر نوایی را می‌توان نام برد. مینیاتورهایی که در غراب الصغر امیرعلیشیر نوایی از سوی حاجی محمد بن ملک احمد تبریزی در استانبول ترسیم شده نفوذ سبک هنری تیموری را نشان می‌دهد (Bağci, 55). همان‌طور که ذکر شده حاجی محمد تبریزی به همراه پدرش از دوره بایزید دوم در سرای سلطان عثمانی در هنر نقاشی فعالیت می‌کرد (Fahir, 1978, 238). اثر دیگر یک متن ترکی از خمسه نظامی است که در سال ۹۱۶ هـ. / ۱۵۱۰م نسخه‌برداری شده. سی و هفت مینیاتوری که در این کتاب وجود دارد همه آشکارا نفوذ مکتب نقاشی هرات را در عثمانی نشان می‌دهند (fahir, 324).

این گروه از نقاشان ایرانی از طریق مصور نمودن نسخ خطی در استانبول، سبک هنری جدیدی را که بهزاد، سلطان محمد و سایر هنرمندان دربار شاه‌اسماعیل در تبریز ابداع کرده بودند، در سرای سلطان سلیم رواج دادند (دیماند، ۱۳۶۵: ۶۱). یکی از این آثار ادبی

منطق الطیر عطار است که در سال ۹۲۱ ه. ق. ۱۵۱۵م در سرای عثمانی استنساخ و مینیاتورهای آن از سوی نقاشان ایرانی ترسیم گردیده است. مضامین دینی این مینیاتورها در مورد حضرت یوسف و ماجرای فروش او در بازار مصر است که یکی از زیباترین آثار هنری محسوب می‌شود. مینیاتورهای این دوره، جنبه سمبولیک داشته، ترکیب و سازش شگفت‌انگیز رنگ‌ها هدف عمده هنرمند و رمز موفقیت او محسوب می‌شود (طاهری، ۱۳۵۴: ۶۳). طبق نظر اهل هنر از ویژگی‌های بارز نگارگری هرات قطع ارتباط با واقعیت مشهود است. از نظر شکل و رنگ، نقاش تلاش می‌کرد افکار پنهانی خود را در صحنه نقاشی نشان دهد. استفاده از رنگ‌های درخشان، دقت در جزئیات، وحدت در ترکیب‌بندی و شخصیت‌پردازی چشمگیر افراد در پیکرهای انسانی بسیار مشهود است (آیت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۵۳). این سبک نقاشی به همراه سبک جدید صفوی از طریق ترسیم مینیاتورهای آثار ادبی، وارد هنر نگارگری عثمانی شد. به عبارت دیگر نقاشی عثمانی نه بومی بود و نه مربوط به یک مکان، بلکه سبکی بود که از هرات و شیراز به تبریز و سرانجام به استانبول انتقال یافته و در آنجا توسعه پیدا کرد (pinder, 1969: 86).

### نگارگران صفوی در سرای سلطان سلیمان قانونی

دسته دوم از نقاشان مهاجر ایرانی به عثمانی در طول قرن دهم هجری افرادی نظیر شاهقلی، کمال تبریزی و ولی‌جان تبریزی بودند. از مهاجرت اجباری یا اختیاری این هنرمندان اطلاعی وجود ندارد اما حضور ایشان در عثمانی تأثیر بسزایی در هنر نگارگری این کشور بجا گذاشت. مخصوصاً نقش شاهقلی و ولی‌جان در نقاشی عثمانی غیرقابل انکار است (کریم‌اف، ۱۳۸۳: ۸۷) به نظر می‌رسد موج دوم مهاجرت این دسته از هنرمندان از دوره شاه طهماسب آغاز شده باشد. چرا که در منابع عثمانی حضور آنان در آن کشور از دوره سلیمان قانونی که معاصر با شاه طهماسب بوده، ذکر شده است. کمال تبریزی از شاگردان میرزا علی در این گروه قرار دارد. او با مهاجرت به عثمانی به دربار سلطان سلیمان قانونی راه یافت. مصطفی عالی وی را در چهره‌سازی و ارائه حالات پرندگان از نقاشان ماهر معرفی می‌کند. (عالی افندی، ۶۴؛ کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۵۵۱). او در تزئین کتاب و شاخ و برگ که



بر روی جلد کتاب ایجاد می‌نمود، ابتکار خاصی داشت (بوات، ۱۳۸۴: ۱۶۳). در دفتر اهل حرف، اسامی این دسته از نقاشان ایرانی باعنوان عجمی که در سال ۹۲۹ ه. ق در نقاشخانه دربار حضور داشتند، به همراه مواجب ماهیانه‌ای که از خزانه سلطان دریافت می‌نمودند، به شرح زیر ذکر شده است (meric, 1953:4).

اسامی نقاشان ایرانی در سرای عثمانی در سال ۹۲۹ هجری

حاجی بیگ تبریزی	۱۰/۵ آقچه
خواجه بیگ تبریزی	۱۰/۵ آقچه
سلطان علی باسمانجی	۹/۵ آقچه
قاسم اصفهانی	۱۰/۵ آقچه
محمد بن عبدالرحمن	۴/۵ آقچه
حسن بن خضر	۱۰/۵ آقچه
حسین بن رسام حسام	۶ آقچه

از میان این نقاشان برخی این حرفه را از پدر خود آموخته و پس از فوت پدر به گروه نقاشان دربار پیوسته‌اند. محمد بن عبدالرحمن و حسن بن خضر و حسین بن رسام حسام از این دسته بشمار می‌روند که طبق نوشته کاتب دربار، پدر آنان از اساتید برجسته نقاشی در دوره سلطان سلیم اول بوده‌اند (همان). احتمالاً آنان نیز جزو اسرایی باشند که سلطان سلیم از

تبریز به استانبول انتقال داده بود و یا به مانند سایر هنرمندان بالاختیار در طول دوره سلطنت شاه طهماسب به عثمانی مهاجرت کرده‌اند. حاجی بیگ، خواجه بیگ، سلطان علی و قاسم اصفهانی چهار تن از نقاشان صفوی بودند که همزمان از تبریز به آماسیه کوچ داده شده و سپس به سرای سلطان انتقال یافته‌اند؛ اما از این که مهاجرت آنان در زمان سلطان سلیم اول بوده یا در زمان سلیمان قانونی، اطلاعی وجود ندارد. اسامی آنان در لیست دفتر سال ۹۲۹ ه. ق. (دوره حکومت سلیمان قانونی) از سوی کاتب حسن افندی نوشته شده است (uzunçarşılı, 27). بنابراین احتمال می‌رود که آنان در دوره سلطان سلیمان قانونی به عثمانی مهاجرت کرده باشند. گروهی از نقاشان صفوی در دوره شاه طهماسب از تبریز و قزوین به استانبول رفته و از طریق مصور ساختن متون ادبی و تاریخی فارسی و ترکی، نظیر شهنشهنامه، سلیمان‌نامه، عثمان‌نامه و سلیم‌نامه، هنر نگارگری صفویه را در عثمانی رواج دادند. نمونه‌ای از این آثار، نسخه‌ای از دیوان شاهی است که از سوی شجاع‌الدین الفارسی در سال ۹۳۴ ه. ق. ۱۵۲۸م نسخه‌برداری شده. در این اثر پنج مینیاتور از مجلس بزم، شراب و نوازندگی وجود دارد. تحفة‌الاکبار و هفت اورنگ جامی، سندبادنامه، سلیم‌نامه از سایر آثار ادبی هستند که اندکی بعد از سال ۹۳۴ ه. ق. استنساخ و مینیاتورهایی در آنها رسم شده است (pinder, 56). نمونه دیگر از این نقاشی‌های ترسیم شده در متون ادبی و تاریخی عثمانی، مربوط به لشکرکشی سلطان سلیمان قانونی به ایران و حضور او در بغداد در کتاب سلیمان‌نامه تألیف عارفی دیده می‌شود. نقاشان این اثر از هنرمندان ایرانی بوده‌اند که به سبک تیموری نگاره‌هایی از سلطان سلیمان قانونی را در سال ۱۵۴۷م کشیده‌اند (Bağcı, 101). تنها در ریزه‌کاری‌هایی چون آسمان طلایی با نقاشی صفویان تفاوت دارد (بلر، ۱۳۸۵: ۲۷۷). عثمان‌نامه اثر دیگر عارفی است که در اوایل قرن دهم هجری قمری، نسخه‌ای از آن از سوی کاتب میرزا خوبی، خطاط دربار عثمانی استنساخ شده و در آن سی و چهار مینیاتور وجود دارد (همان: ۹۸). از سایر آثار نگارگری نقاشان ایرانی بر روی کتب ادبی در عثمانی می‌توان از شاهنامه (شهنشهنامه) و ظفرنامه نام برد که از سوی سید لقمان بن حسین ارموی از خطاطان مهاجر ایرانی به استانبول در دوره سلیمان قانونی به همراه سایر هنرمندان دربار نسخه‌برداری شده است. شهنشهنامه را به تقلید از شاهنامه فردوسی در

مورد تاریخ سلاطین عثمانی و ظفرنامه را به تقلید از ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی در خصوص لشکرکشی‌ها و فتوحات سلیمان قانونی تألیف کرده‌اند. در این دو اثر تصاویر در شکل هندسی در داخل کادر ترسیم شده‌اند. در ظفرنامه دسته‌های نظامی عثمانی در صفوف منظم همانند مینیاتورهای ظفرنامه یزدی مصور گردیده‌اند (همان: ۱۱۶-۱۱۷). نکته قابل توجه این است که در بالا و پایین نگاره‌ها اشعاری به زبان فارسی نوشته شده است. نمونه‌ای از این اشعار را در مینیاتورهای مربوط به جلوس سلیمان قانونی به تخت سلطنت در سال ۱۵۲۰م و در صحنه شکار این سلطان می‌توان دید (همان: ۱۰۰-۱۰۱). بدون تردید این اشعار نشان می‌دهند که این آثار هنری را هنرمندان ایرانی تهیه نموده‌اند. در مجلس جلوس سلیمان قانونی بر تخت سلطنت که صحنه‌پردازی آن متعلق به قصر توپقاپی است، حیاط اول در سمت چپ و حیاط دوم در سمت راست آمده است. در این نقاشی برخی از ویژگی‌های بناهای عثمانی مانند اتصال دندان‌های و متناوب قطعات طاق‌ها پشت سر هم و روکش سربی برج‌های قصر، با برخی از ویژگی‌های قراردادی مصورسازی کتب فارسی از جمله شاخ و برگ انبوه و سبز درختان از مشخصه‌های مصورسازی کتاب در سبک ترکمانان تبریز دیده می‌شود (بلر ۱۳۸۵: ۲۷۸).

اگر بین نقاشی‌های ترسیم شده در سرای عثمانی دوره سلیمان قانونی با نقاشی‌های دربار شاه طهماسب مقایسه‌ای داشته باشیم، تأثیر هنر نگارگری ایرانی در عثمانی را در خواهیم یافت. در نسخه‌ای از خمسه نظامی که در آغاز پادشاهی شاه طهماسب تهیه شده، مینیاتوری از خسرو به همراه درباریانش دیده می‌شود. در این تصویر خسرو به همراه درباریانش در زیر سایه‌بانی سوزن‌دوزی شده و فرش گرانبها و زیبا که در زیر تخت گسترده شده، نشان داده می‌شود. افرادی که در این مینیاتور ترسیم شده، به سبک نقاشی بهزاد، باریک و خوش‌اندام و جامه گرانبها بر تن دارند (پرایس، ۱۳۷۴: ۱۵۴). نگاره خسرو و شیرین از مینیاتورهای دیگر خمسه نظامی است که از سوی سلطان محمد، نقاش معروف دربار کشیده شده است. در این اثر هنری، سنگ‌های رؤیانگیز گرداگرد آبگیر به رنگ‌های خاکستری و سبز دریایی دیده می‌شود. شب‌دیز، اسب خسرو بر سبزه‌ای پر گل سم می‌کوبد.

جامه‌های شیرین بر درختی با غنچه‌های سرخ گسترده شده. در نقاشی حاشیه این مینیاتور، حیواناتی نظیر آهو و روباه در میان گل‌های پربرگ نشان داده شده است (همان). با مقایسه نگاره‌های ترسیم شده در عثمانی و ایران به این نتیجه می‌رسیم که در نقاشی صفوی آثار اسطوره‌ای و تاریخی و سپس آثار ادبی، عرفانی و عاشقانه در مصورسازی مورد توجه قرار گرفته و به همان شکل در عثمانی نیز آثار ادبی و تاریخی مانند شه‌نشه‌نامه و عثمان‌نامه استنساخ و مصور گردیده است. هم در محتوای آثار و هم در نقاشی‌های آنها اشتراکات زیادی وجود دارد.

آخرین لیست از اسامی نقاشان ایرانی در دفتر اهل حرف مربوط به سال‌های ۹۵۲ هـ و ۹۶۵ هجری می‌شود که در آن اسامی دیگری به غیر از نام‌های ذکر شده در لیست قبلی به چشم می‌خورد. احتمالاً آنان در بین سال‌های ۹۲۶ تا ۹۵۲ هجری با توجه به شکوه استانبول و حمایتی که سلطان سلیمان قانونی در جذب هنرمندان به دربار خود بعمل می‌آورد به صورت اختیاری به استانبول مهاجرت نموده و به جرگه نقاشان سرای سلطان پیوسته‌اند. شاید هم سلطان سلیمان نیز در پی لشکرکشی‌های خود به ایران گروه دیگری از هنرمندان را با خود به استانبول برده است. لذا از نحوه مهاجرت این گروه نیز به عثمانی اطلاعی در دست نداریم.

اسامی نقاشان ایرانی در سرای عثمانی با مواجب ماهیانه در سال ۹۵۲ هجری

عبدالعلی تبریزی	۲۰ آقچه
سلطان علی باسماجی	۱۲/۵ آقچه
عبدالحمید تبریزی	۱۵/۵ آقچه
محمدشاه تبریزی	۱۹ آقچه
علاءالدین تبریزی	۱۵ آقچه
علی بیگ تبریزی	۱۱ آقچه

عبدالفتاح تبریزی	۱۲ آقچه
عبدالخالق تبریزی	۱۲ آقچه
علی قلی تبریزی	۳/۵ آقچه
میرآقا اصفهانی	۵ آقچه
درویش محمد اصفهانی	۱ آقچه
شاهقلی تبریزی	۲۵ آقچه

نقاشان ایرانی در لیست دفتر اهل حرف مربوط به سال ۹۶۵ هجری، همان افرادی است که اسامی آنها در سال ۹۵۲ هجری ذکر شده است. پس از آن دیگر نامی از نقاشان عجمی یا ایرانی در دفتر اهل حرف دربار عثمانی به چشم نمی‌خورد. این امر ناشی از تغییر رویه از سوی هنرمندان عثمانی بوده است.

زین‌العابدین اصفهانی مشهور به میرآقا از نقاشان حاضر در سرای عثمانی در سال ۹۵۲ هجری بوده که در کشیدن نقش گل و آرایش گلها و تصاویر حیوانات مخصوصاً پرندگان مهارت خاصی داشته است. از آثار او امروزه در توپقاپی‌سرای، تابلوی نقاشی با انواع گلها و پرندگان وجود دارد که در بالای آن نوشته‌ای تحت عنوان «هو رقم کمترین زین‌العابدین اصفهانی» دیده می‌شود (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۱۵). شاه‌محمد تبریزی از برجسته‌ترین نقاشان سرای عثمانی در این گروه محسوب می‌شود که به عنوان سرنقاش، ریاست پنجاه و یک نفر از نقاشان دربار را برعهده داشت. نقاشان تحت نظر او از هنرمندان ایرانی، آلبانیایی، مجارستانی و بوسنیایی بوده‌اند (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۸۸۸). احتمالاً او پس از شاهقلی تبریزی ریاست نقاشخانه سلطنتی را بدست گرفته است. برخی از این نقاشان ایرانی خطاط نیز بوده‌اند. عبدالخالق، عبدالفتاح، علی‌بیگ، سلطان‌علی و درویش‌محمد از این دسته هنرمندان بشمار می‌روند (بیانی، ۱۳۶۳: ۲۸، ۱۸۷، ۳۷۷، ۴۰۸).

کار استنساخ آثار ادبی و مصور نمودن آنها همزمان از سوی آنان انجام می‌گرفته است.

از میان نقاشان ایرانی در سرای عثمانی در سال ۹۵۲ هجری قمری شاهقلی و ولی‌جان تبریزی به علت سبک جدید در نقاشی و ویژگی‌هایی که در آثار خود داشتند، از مشهورترین هنرمندان نگارگر این دوره بشمار می‌روند. هرچند مصطفی عالی، ولی‌جان تبریزی و برادرش حسین را از نقاشان دربار سلیمان قانونی معرفی می‌کند (عالی افندی، ۶۸)، اما اسامی آنان در لیست اهل حرف دربار ذکر نشده است.

شاهقلی و ولی‌جان تبریزی روش‌های جدیدی در نقاشی ابداع کرده و بیشترین تأثیر را در سبک نگارگری عثمانی بجا گذاشته‌اند. شناخت سبک نقاشی آنان کمک بیشتری در شناسایی میزان تأثیرگذاری هنر نگارگری ایرانی اوایل دوره صفویه در عثمانی خواهد داشت. اشکال زیبایی از حوریان بالدار بهشتی که از سوی این دو هنرمند رسم شده و امروزه در بیشتر موزه‌های ترکیه، اروپا و آمریکا به چشم می‌خورد (حبیبی، ۱۳۵۵: ۷۳)، نشانگر نقش آنان در شکل‌گیری سبک نگارگری عثمانی است. شاهقلی از نقاشان دوره شاه اسماعیل در تبریز بود. او نقاشی را از آقامیرک اصفهانی آموخت (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۳۸). سپس از تبریز به آماسیه رفته مدتی در آن شهر اقامت نمود. عاشق چلبی، اقامت او را در آماسیه در زمان حکمداری شاهزاده سلطان احمد (فوت ۱۵۱۴م) در آن شهر می‌داند. او می‌نویسد نقاشی شاهقلی بهتر از بهزاد بوده است (مشایر الشعراء، عاشق چلبی).<sup>۱</sup> با توجه به اطلاعات دفتر اهل حرف او در سال ۹۲۷ه.ق/۱۵۲۱م در آماسیه سکونت داشته زیرا موجب او را از خزانه سلطانی به آن شهر حواله کرده‌اند (Uzunçarşılı, 1986: 26). چون سلیم هنرمندانی را که از تبریز آورده بود مدتی در آماسیه اسکان داد، شاهقلی نیز در این زمان به آنان پیوسته است (Mahir, 1998: 117). زمانی که سلطان سلیمان قانونی به حکومت رسید، شاهقلی از آماسیه به استانبول عزیمت نموده و وارد سرای سلطان عثمانی شده، در آنجا مورد لطف و عنایت این سلطان قرار گرفته، روزانه مبلغ یکصد آقچه مقرری

۱- به Banu Mahir. Kanuni Döneminde yaratılmış yayın Bezme Üslubu saz 1998.116. از

برای وی تعیینگردید (عالی افندی، ۱۰۵). این بالاترین مواجهی بود که در میان اهل هنر به یک نقاش دربار در نیمه اول قرن شانزدهم میلادی پرداخت می‌شده است. در نهایت شاهقلی از سوی سلطان عثمانی به ریاست نقاشخانه دربار منصوب می‌شود. نام شاهقلی در سال ۹۵۲ ه.ق در لیست جماعت نقاشان سرای سلطان عثمانی به عنوان سردسته نقاشان دربار ذکر شده است. وی بین سال‌های ۱۵۵۶-۱۵۲۰م به مدت ۳۶ سال در دربار عثمانی به عنوان هنرمند برجسته فعالیت می‌نمود (همان).

هنرمندان سرای عثمانی در ایام عید بهترین اثر هنری خود را به سلطان اهدا می‌کردند. در یکی از گزارشات کاتب دربار از مراسم اهدای آثار هنری در سال ۹۴۰ هجری/۱۵۳۳م، شاهقلی به عنوان اهداکننده یک تابلوی بزرگ نقاشی و و شش تابلو کوچک معرفی شده که در مقابل از سلطان سلیمان دو هزار آنچه انعام دریافت کرده است (Uzunçarşili, 1986: 66).

شاهقلی در آثار خود، شیوه استادش را در نگارگری برگزیده و درکمال آراستگی به ترسیم نقاشی‌های خویش پرداخت (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۳۸). گفته می‌شود از زمانی که او به ریاست نقاشخانه دربار استانبول برگزیده شد، هنرمندان عثمانی بیشتر تحت تأثیر هنر ایرانی قرار گرفتند (کریم‌اف، ۸۷). او روشی را در نقاشی ابداع کرد که به سبک‌ساز مشهور است. با توجه به این که شاهقلی در نقاشی‌های خود شکل برگها را به صورت نوک تیز (به شکل خنجر) رسم می‌نمود بدان جهت این روش او در نقاشی به سبک‌ساز شهرت یافت. وی نقاشی سیاه‌قلم را در عثمانی توسعه داد. این روشی بود که استادش آقا میرک در تبریز بکار می‌برد. برخی از آثاری که شاهقلی با قلمو ترسیم کرده آبی‌رنگ و تعدادی نقره‌ای و یا به رنگ طلایی هستند. پس از وی سایر نقاشان مهاجر ایرانی از جمله ولی‌جان تبریزی از سبک او پیروی کردند (Mahir, 1993: 34). در بین آثاری که شاهقلی در عثمانی ترسیم نموده نقش اژدها، فرشته و پرندگان از جمله سیمرغ جایگاه ویژه‌ای دارد. ترسیم نقش اژدها در هنر جلایریان، تیموریان و ترکمنان نیز وجود داشته که این نقش از سبک چینی گرفته شده است.

بیشتر آثار شاهقلی با مهر و امضای او مشخص می‌شود. در برخی از آنها مهر شاهقلی و در بعضی دیگر امضاء او وجود دارد. در یکی از نگاره‌های باقی‌مانده از او، اژدها با شاخ بلند به سبک ساز رسم شده و در گوشه‌ای از آن عبارت «عمل شاهقلی به طریق مشق» که در حکم امضاء هنرمند می‌باشد، به چشم می‌خورد (Mahir, 2002: 277) (تصویر شماره ۱). در نقاشی دیگری او نزاع اژدها با پرنده زمرد را رسم کرده (تصویر شماره ۲). پرنده زمرد همان سیمرغ ایرانی است که وارد ادبیات عثمانی شده و فقط اسم آن تغییر یافته است. محتوای این نقاشی پیروی از هنر ایرانی را نشان می‌دهد (همان). در یکی از مینیاتورهای شاهقلی با همین مضمون که در موزه توپقاپی وجود دارد، عبارت «این اجدر [اژدها] کار استاد شاهقلی رومی است» دیده می‌شود. (کتابخانه موزه توپقاپی تابلو شماره H.2154) (تصویر شماره ۲). در این تابلوی نقاشی که به شیوه سیاه‌قلم ترسیم شده مهر شاهقلی در وسط مینیاتور قرار گرفته است. اکثر آثار او در موزه توپقاپی در دو مجموعه به نام‌های آلبوم بهرام میرزا و آلبوم شاه طهماسب به شماره‌های H.2161 و H.2154، که مختص نقاشان عصر صفوی است، وجود دارد. در برخی دیگر از نقاشی‌های شاهقلی، تصویر فرشته بالدار با همان سبک ساز رسم شده و در پایین تصویر عبارت «عمل شاهقلی» به عنوان امضاء او نمایان است (همان، ۲۱) (تصویر شماره ۳).

ولی‌جان تبریزی نیز از نقاشان برجسته ایرانی در استانبول در نیمه دوم قرن دهم هجری بشمار می‌رود. او از شاگردان سیاوش گرجی بوده که درسین جوانی و در زمان سلیمان قانونی به قلمرو عثمانی مهاجرت کرد. اما مصطفی عالی، زمان مهاجرت او را به عثمانی سال ۹۹۵ هجری (زمان تألیف کتاب خود) می‌داند (عالی افندی، ۶۷). با توجه به این که ولی‌جان شاگرد سیاوش گرجی بوده، سیاوش نیز از نقاشان دوره شاه طهماسب محسوب می‌شود (منشی قمی، ۱۳۳۷: ۱۴۹). بنابراین بعید به نظر می‌رسد که زمان مهاجرت او به عثمانی اواخر قرن دهم هجری باشد. ولی‌جان نقاشی است که نزاکت قلم او و دقت در ترسیم نقاشی و لطافت آن مورد تحسین اهل هنر قرار گرفته است. در آثار وی امضای «قلم ولی‌جان» دیده می‌شود. از او تعدادی مینیاتور از مردان و زنان جوان با لباس ترکی و نیز مینیاتورهایی از پریان بهیستی باقی مانده است (Grube, 1961: 197) که مهارت وی را



در زمینه شبیه‌سازی و آرایش البسه و زرافشانی نشان می‌دهد. او به صنعت تذهیب نیز علاقمند بوده. در مناظر مختلف بخصوص نقشه شهرها و ساختمان‌ها و پل‌ها هنرمندی خود را نمایان ساخته است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۴۰۵). نقاشی‌های وی به دلیل داشتن سبک ساز، زیبایی خاصی به خود گرفته‌اند (Mahir, 2005: 23). در ترسیم شکل فرشته‌ها و اژدها به تقلید از شاهقلی عمل کرده، اما کیفیت کارهای او به پای آثار شاهقلی نمی‌رسد (Grube, 1961: 197؛ کوئل، ۱۳۸۰: ۱۹۰). نقش و نگاره‌های هر دو هنرمند متأثر از اشکال هنری نقاشان صفوی در تبریز است؛ چرا که در آثار بجا مانده از سیاوش گرجی تصویری از اژدهای سهمگین و در حال حمله به سوارکاری وجود دارد. در آثار دیگر آنان با الهام از متون ادب فارسی تصاویری از سیاوش، اسفندیار، گیو، فرنگیس و سایر صحنه‌های حماسی و عاشقانه ترسیم شده است. شاهقلی و ولی‌جان نیز به تبعیت از نقاشان ایرانی، همان اشکال را با تغییر سبک رسم کرده‌اند. شاگردان این دو هنرمند در استانبول سبک ساز را رواج دادند. قراممی و علی‌جان از جمله این شاگردان شاهقلی هستند که در این زمینه فعالیت داشتند (عالی افندی، ۶۵).

علیرغم این که نقاشان ایرانی در شکل‌گیری و توسعه سبک نقاشی عثمانی چه از طریق انتقال سبک هنری تیموریان، ترکمانان و صفویان و یا با ابداع روش جدید در نقاشی نقش مهمی ایفا کرده‌اند، اما سبک ایرانی برای مدت طولانی مورد پسند ترکان عثمانی واقع نشد. اگر چه ترکان از ادبیات ایرانی لذت می‌بردند و نقاشی‌هایی با مضامین ادبی از شاهنامه فردوسی و سایر آثار ادبی ترسیم می‌کردند. اما آنان بتدریج به تقلید از سبک‌های هنری سایر ملل از جمله ملل اروپایی پرداختند. به همان شکل نیز خیلی زود علاقه خود را به داستان‌هایی که در مورد ترکان وجود داشت، نشان دادند (Rice, 1971: 163). با کنار رفتن اولین نسل از نقاشان مهاجر ایرانی و جانشینی هنرمندان بومی، بتدریج نقاشی عثمانی جاگزین نقاشی تیموری و صفوی گردید. این چرخش در هنرهای تجسمی عثمانی که در نیمه دوم قرن دهم هجری اتفاق افتاد موجب حذف نقاشان ایرانی در سرای عثمانی شد. این تحولات همزمان با جایگزینی ادبیات و زبان ترکی به جای زبان و ادبیات فارسی در آناتولی روی داد. به عبارت دیگر عثمانی‌ها پس از یک دوره تأثیرپذیری از هنر ایرانی بار دیگر به

هنر بومی خود رجوع کرده و سعی نمودند با آن چه که از هنرمندان مسلمان بویژه ایرانیان آموخته بودند به هنری با هویت ملی دست یابند. عثمان نقاش، سنان نقاش، حسن نقاش از پیشگامان این موج هنری بودند. عثمان نقاش از جمله هنرمندان عثمانی است که خود در خلق نگاره‌هایی به سبک هنر هرات و تبریز (دوره صفوی) مهارت بسیاری داشته است. او تلاش نمود به نقاشی‌هایش هویت ملی بخشد (بخت‌آور، ۱۳۸۸: ۳۵-۳۹).

در نتیجه از اواخر قرن دهم هجری، تقلید از سبک نقاشی ایرانی به کنار نهاده شد. در این زمینه، عثمان نقاش پیشرو بوده است. هر چند با همت او و سایر هنرمندان ترک مکتب نقاشی عثمانی پایه‌گذاری شد، اما در سبک عثمانی همچنان نشانه‌هایی از هنر ایرانی قرن نهم و دهم هجری دیده می‌شود. چرا که به نوشته اهل هنر در نقاشی‌های سبک عثمانی رنگ‌های روشن، بسیار درخشانده و ترکیب‌بندی‌های کبود و زرد در نگاره‌ها، سنت رنگ‌آمیزی درخشان آسیای میانه و مکتب شیراز را به یاد می‌آورد. در مصورسازی طبیعت در مکتب عثمانی، دید واقع‌بینانه غربی با شیوه ایرانی تلفیق شده است (بخت‌آور، ۱۳۸۸: ۳۹).

### نتیجه

هنر نگارگری ایرانی همانند سایر آثار هنری و فرهنگی در اواخر قرن نهم و در طول قرن دهم هجری از طریق نقاشان مهاجر ایرانی در عثمانی رواج یافت. این هنرمندان در شکل‌گیری مکتب نگارگری عثمانی و ابداع سبک جدید در نقاشی سهم بسزایی داشته‌اند. همان‌طور که ترکان عثمانی در زمینه فرهنگی از ادبیات فارسی تأثیر پذیرفته‌اند، در نگارگری نیز به تقلید از هنری ایرانی پرداختند. نحوه این تأثیرپذیری نیز از طریق حضور نقاشان ایرانی در آن سرزمین میسر گردید. استانبول به عنوان مرکز سیاسی و فرهنگی امپراطوری عثمانی همواره در جذب هنرمندان و اهل فضل و دانش پیشرو بوده است. از میان مهاجران ایرانی که در دوران ذکر شده وارد استانبول شده‌اند، نقاشان جایگاه ویژه‌ای داشتند. بیشتر آنان وارد سرای سلاطین عثمانی شده و به ترسیم زیباترین آثار نگارگری پرداختند. نقاشان ایرانی در آثار خود سبک‌های نگارگری ایرانی را به هنرمندان ترک معرفی

کرده‌اند. از سوی دیگر آنان به تزئین کاخ‌ها و اماکن مذهبی عثمانی همت گماشتند. امروزه بیشتر مینیاتورها، تابلوهای زیبایی نقاشی در مرقات و آلبوم‌های موزه توپقاپی و کتابخانه استانبول و سایر مراکز هنری ترکیه نگهداری می‌شود. این آثار گنجینه هنری عظیمی محسوب می‌شوند که در معرض دید مسافران و محققان و اهل هنر قرار می‌گیرد. بدین جهت وجود این آثار ارزشمند هنری یکی از منابع مهم درآمد کشور ترکیه محسوب می‌شود. بنابراین نقاشان مهاجر ایرانی سهم بزرگی در شکوفایی فرهنگی و هنری استانبول داشته‌اند. همچنین در کتابخانه‌های ترکیه مینیاتورهای بی‌نظیری از نقاشان ایرانی (دوره تیموری و صفوی) در لابلای نسخ خطی دیده می‌شود. آثار تذهیب شده و کتیبه‌های مساجد ترکیه نمونه‌های دیگری از فعالیت‌های نقاشان ایرانی هستند که ذوق هنرمندان ایرانی را نشان می‌دهند. در مجموع نقاشان ایرانی با رواج هنر ایرانی و خلق زیباترین آثار نگارگری، نقش بسزایی در توسعه فرهنگی و هنری استانبول داشته‌اند. امروزه ترکان مدیون هنر نقاشان ایرانی هستند که این آثار گرانبها را در قرون گذشته از خود بجا گذاشته‌اند.

### کتابنامه

- ۱- آیت‌اللهی، حبیب‌الله. (۱۳۸۲)، *رنگ و شکل در مکتب هرات*، مجله فرهنگ و هنر، هنرهای تجسمی، ش ۲۰.
- ۲- بخت‌آور، الهه. (۱۳۸۸)، *نحوه شکل‌گیری مکتب عثمانی و بررسی ویژگی‌های آن*، فصلنامه نگره، ش ۱۰، بهار.
- ۳- بلر، شیلا و جاناتان ام. بلوم. (۱۳۸۵)، *هنر معماری اسلامی*، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران، سروش.
- ۴- بیانی، مهدی. (۱۳۶۳)، *احوال و آثار خوشنویسان*، تهران، انتشارات علمی.
- ۵- بینون، لورنس و ج.س. ویکینسون. (۱۳۸۳)، *بازیل گری*، ترجمه محمد ایرانمنش، تهران، امیرکبیر.

- ۶- بوات، لوسین. (۱۳۸۴)، *تاریخ تیموریان*، ترجمه محمود بهفرزی، تهران، امیرکبیر.
- ۷- پرایس، کریستن. (۱۳۴۷)، *تاریخ هنر اسلامی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۸- حبیبی، عبدالحی. (۱۳۵۵)، *هنر تیموریان و متفرعات آن*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۹- دیماندا، س.م. (۱۳۶۵)، *راهنمای صنایع اسلامی*، ترجمه عبدالله فریار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۰- شاد قزوینی، پریسا. (۱۳۸۶)، *بررسی نسخه‌های خطی و مرقعات ایرانی سده‌های هشتم تا دهم هجری در موزه تویقایی سرای استانبول*، مجله گنجینه اسناد، ش ۶۷، پاییز.
- ۱۱- عالی افندی، مصطفی. (۱۹۲۶ م)، *مناقب هنروران*، استانبول، مطبعه عامره.
- ۱۲- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۶۳)، *آثار و احوال نقاشان قدیم ایران*، ۳ جلد، لندن.
- ۱۳- کریم‌اف، کریم. (۱۳۸۳)، *سلطان محمد و کاتب او*، ترجمه جهانپری معصومی و رحیم پرنی، تبریز، دانشگاه هنر اسلامی.
- ۱۴- کوهنل، ارنست. (۱۳۸۸)، *اهمیت هنر نقاشی عصر صفویه مکتب تبریز (۲)*، ترجمه سمیه اشتری، مجله هنر دینی، ش ۷، بهار.
- ۱۵- طاهری، ابوالقاسم. (۱۳۵۴)، *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس*، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- ۱۶- منشی قمی، قاضی میراحمد. (۱۳۳۷)، *گلستان هنر*، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۷- زکی، محمدحسن. (۱۳۶۶)، *تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام*، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران، نشر اقبال.

- 18-Atasoy, Nurhan. filiz Çağman. (1974) *Turkish Miniature painting*, Publication of the cultural institute, Istanbul.
- 19-Çagman, Filiz. (1974) *Turkish miniature painting*, Istanbul, R.C.D cultural institute.
- 20-Bağci, serpil-filiz çağman. (2006), *osmanli resim sanati*, İstanbul.
- 21-Grube Ernst.j. (1961), *First international congress of Turkish art*, A school of Turkish Minyature painting, Ankara university.
- 22-Fahir, G. (1978), *fifth international congress of Turkish art*, Budapest.
- 23-Pinder, R. (1969), painting from islam lands, Oxford.
- 24-Mahir, Banü. (2005), *Osmanli Mınyatur sanati, İstanbul*, Kabalçi yayinevi.
- 25----- (1993) *sanat tarihinde ikonografik arařtırmalar*, Saz yolu, Ankara.
- 26----- (2002), *Bildiriler proceeding*, cilt 2, İslamda resim sözcüğünün Belirlediđi Tasvir geleneđi, İstanbul.
- 27----- (1998) *kanuni Döneminde yaratılmıř yaygın Bezeme üslubu saz yolu*, Türkiyemiz kültr ve sanat dergisi.
- 28-Meric, Rifki Melul. (1953), *Türk nakiř sanati tarihi*

- arařtırmaları*, Mevacib-i cemaeti ehl-i hiref, Ankara.
- 29-Rice, David Talbot. (1971) *islamic painting a survey*, Edinburgh university.
- 30-Tanıdı, Zeren, (1996) *Türk Minyatür sanatı*, İstanbul, Türkiye iş Bankası kültür....
- 31-Uzunçarşılı, İsmail Hakki. (1986), *Osmanlı sarayında ehl-i hiref defterleri*, Ankara, Turk tarih kurumu.
- 32-Ünver, Süheyl. (1958), *Fatih Sultan Mehmet Devrine ait bir yazı ve nakış albümü*, İstanbul, Tıp Tarih Enstitüsü Direktörü.

پیوست‌ها



تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۲





تصویر شماره ۳

